

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و هشتاد و هفت - نیمسال اول

مقالات

- بهینه‌سازی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران
- قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت: زمینه و دورنما در برداشتی حقوقی
- موارد عدم تعهد بیمه‌گر در بیمه‌های اشخاص
- جرم‌انگاری انکار هولوکاست: مطابق یا مغایر حقوق بشر؟
- حوادث اتمی و اصول مسئولیت مدنی
- قاعده منع توسل به زور پس از بحران اخیر اوستیای جنوبی

موضوع ویژه: حمایت حقوقی از اشخاص دارای معلولیت

- تحول‌گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر
- تأملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان
- حقوق آموزشی کودکان معلول در ایران: ضرورت همگامی با تحولات بین‌المللی
- سازوکارهای حمایت از حق اشتغال اشخاص دارای معلولیت
- حمایت از اشخاص دارای معلولیت در درگیری‌های مسلحانه
- نگاهی به حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه اروپا
- بازداشتگاه مناسب برای معلولان زندانی از منظر دیوان اروپایی حقوق بشر

نقد: لایحه قانون مجازات اسلامی

- آسیب‌شناسی لایحه قانون مجازات اسلامی از منظر عقلانیت گفتاری
- جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی: نقد بزه‌دیده‌شناسانه باب کلیات
- مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در لایحه قانون مجازات اسلامی
- واکاوی لزوم استیذان در قصاص





قطعه‌نامه ۱۸۳۵ شورای امنیت: زمینه و دورنما در برداشتی حقوقی

دکتر نادر ساعد*

چکیده: برخوردهای ناعادلانه با ایران در قالب مسأله فعالیتهای هسته‌ای که متأثر از تمایلات سیاسی و نگاه ابزاری به حقوق بین‌الملل است، جلوه‌ای بارز از تهدید به گسست در نظم حقوقی معاصر است که عواقب و پیامدهای آن تا افقهای دور دست حیات بین‌المللی نیز ادامه خواهد یافت: اعمال فشار سیاسی و بویژه سیاسی کردن سازمانهای بین‌المللی فنی و کارشناسی (آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) یا پیروی این سازمانها از رابطه قدرت، اساسی‌ترین نماد از گسست و تلاشی (*fragmentation*) هنجارهای عام و مسلم ناظر بر تنظیم روابط بین‌المللی است که قدرتهای سیاسی در سایه آن در صدد دستیابی به هژمونی هستند؛ وضعیتی که حقوق موجود آن را بر نمی‌تابد. اما واقعیت این است که آنها سهم اصلی بن‌بست کنونی در حل قطعی و نهایی جدال هسته‌ای که پیش از این قرار بود از طریق مدالیته محقق شود، را بر عهده دارند. این نوشتار، به تحلیل حقوقی زمینه‌های صدور قطعه‌نامه ۱۸۳۵ مورخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸ (۶ مهرماه ۱۳۸۷) شورای امنیت و دورنمای آن در پرتو رفتار منفعل آژانس بویژه عدول از مدالیته و تأثیر آن بر به بن‌بست رسیدن روند حل قطعی و قاطع مسائل باقیمانده راجع به فعالیتهای هسته‌ای کشورمان، که تا پیش از این، رو به اتمام تصور می‌شد، می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: شورای امنیت، برنامه هسته‌ای ایران، قطعه‌نامه ۱۸۳۵، حقوق بین‌الملل، صلح و امنیت بین‌المللی

* مدیر گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

سیاست، پرده‌ای^۱ از گستره تعیین کننده طرز رفتار دولتها در عرصه بین‌المللی است و اغماض نسبت به درک آن، تصویری ناکامل از زمینه شکل‌گیری و تنظیم رفتار این بازیگران را پدیدار خواهد ساخت. تحلیل الگوی دوگانه قدرت - قانون^۲ که گاه به پارادوکس میان بایسته‌های هنجاری و اقتضات سیال قدرتها می‌انجامد،^۳ لازمه فrazذهنی و عملگرایی تحلیل پدیدارهای بین‌المللی است؛^۴ پدیدارهایی که همانند خاستگاه‌شان (جامعه بین‌المللی دولت محور)، دامنه و مفهومی مختص به خود^۵ دارند و به تحلیل فراتر از ارزش ذهنی و اندیشه‌ای آن، ارزشی عینی خواهد بخشید. با اینحال، تحلیل حقوقی بین‌المللی نه بر اولویت نظریه‌ها و مطلوبیتهای رهیافت سیاست بین‌الملل (آنگونه که مکتب نیوهاون عرضه می‌دارد)،^۶ بلکه بر مبنای تقدم هنجارمندی روابط ناشی از قدرت^۷ و مناسبات میان فرادستان و فرودستهایی است که در نظم تحقیقی حقوقی، شأن و جایگاهی برابر و همسان یافته‌اند. باید قدرت و برآیندهای آن را آنگونه که در نظریه سیاست و روابط بین‌الملل است، شناخت و اما از قانون برای کنترل آن و هدایت اجتماع بین‌المللی - محیط این قدرتها - به صورت عینی و واقع‌گرایانه بهره گرفت. در این صورت است که تحلیل حقوقی با خاستگاه حقیقی خود علقه می‌یابد و استدلال و تحلیل ذهنی و منطقی را برای

۱. این پرده از نمایش پرفراز و فرود و جدال برانگیز قدرت - قانون، اصولاً مستمر و پایدار است. اما گاه منفعت نهفته در قانون، با منفعت اقتضائی سیاست، همراه و متقارن می‌گردد. در این صورت، سیاست به شکل‌گیری یا استحکام قانون می‌انجامد. با اینحال، باید متوجه بود که پاره‌ای از قواعد حقوقی به تأسی از مولفه‌های انسانی در روابط اجتماعی، فراتر از این مقتضیات سیاسی نشو و نما می‌یابند به‌طوری که به سختی می‌توان در رابطه با آنها، تئوری‌های بازی را صادق دانست.

2. Power-law dichotomy

3. See Shirley V. Scott, "International Law as Ideology: Theorizing the Relationship between International Law and International Politics", *EJIL*, vol. 5, 1994, p. 314.

۴. به همین دلیل است که نیاز به شناخت و درک مناسب سیاست بین‌الملل، در میان حقوقدانان در حال گسترش است. نک:

Macdonald and Johnson, "International Law Theory: New Frontiers of the Discipline", in: R. Macdonald and D. Johnson (eds.), *The Structure and Process of International Law: New Frontiers of the Discipline*, Oxford, 1983, p. 4.

5. sui generis

۶. نیوهاون سنتی برآمده از اندیشه‌های مک‌دوگال، حقوق بین‌الملل را بخشی از سیاست بین‌الملل می‌شمارد که در پرتو این سیاستها و کلیت گستره آن، قابل تحلیل و ارزشیابی است. نک:

McDougal and Riesman, "International law in Policy-Oriented Perspective", in: Macdonald and Johnson, *op. cit.*, pp. 103-129.

7. See Shirley, *op. cit.*, p. 317.

سامان دادن به آنچه در عالم واقع هست، به کمال می‌رساند و در مسیر حاکمیت واقعی قانون به جریان می‌اندازد.

در طول تاریخ همواره برخی اندیشمندان و ملت‌های آزاده از اینکه روابط بین‌المللی و هنجارهای حاکم بر آن، دستاویز قدرتهای بزرگ قرار گیرد و صرفاً به‌عنوان ابزار تحقق منافع آنها علیه دولت‌ها و ملت‌های مستقل به کار گرفته شود، ناخرسند بوده و در جستجوی راه‌حلهایی برای برون رفت از این نگرانی‌های جهانی، به ارائه نظریه پرداخته‌اند. امروز بیش از هر زمان دیگری، یکجانبه‌گرایی‌ها و همگرایی‌های سیاسی باشگاهی برای به بیراهه کشاندن مسیر حیات جامعه بین‌المللی نمودار شده است.

در این میان، مایه بسی تأسف است برخی نهادهای بین‌المللی که برای ممانعت از تشدید اختلافات بین‌المللی و حل آنها بر مبنای حق و عدالت تأسیس شده‌اند، در این ورطه تباهی افتاده و به مثابه ابزاری که امانوئل جانت، امپریالیسم سیاسی و حقوقی جهانی می‌شمارد،^۸ تحقق منافع قدرتهای سلطه‌جو را به قیمت تضییع آشکار حقوق ملت‌های آزاده و در حال توسعه دنبال نمایند.^۹ از اواسط دهه ۱۹۴۰ و با تشکیل سازمان ملل متحد، همین استفاده ابزاری از حقوق و هنجارهای بین‌المللی^{۱۰} در رویه شورای امنیت هویدا شد. با اینحال، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از ابتدا نهادی کارشناسی و فنی یا غیرسیاسی بوده نیز در اوایل قرن بیست‌ویکم همین رویه را به تقلید از این ساختارهای سیاسی^{۱۱} در پیش گرفته و با وارد شدن به چرخه‌ای سیاسی و غیرفنی از جدالی که در پوشش «صلح‌آمیز بودن فعالیتهای انرژی هسته‌ای در ایران» قرار گرفته، روندی ساختارشکنانه را در پیش گرفته که بدون شک، زنگ خطری نه تنها برای اعتبار و کارکرد مستقل و بیطرفانه این سازمان است بلکه حیات هنجارهای بنیادینی را که نظام بین‌المللی بر پایه آنها شکل گرفته، به شدت تهدید می‌کند.

8. Emmanuelle Jouannet, "Universalism and Imperialism: The True-False Paradox of International Law?", *EJIL*, vol. 18, no. 3, 2005, pp. 382-383.

۹. رویکرد دیگر این است که حقوق بین‌الملل بویژه حقوق عرفی، به‌ندرت ساختار هژمونیک دارد. با اینحال،

همین رویکرد نیز هژمونی از طریق حقوق بین‌الملل را اساساً نفی نمی‌کند. نک:

Necati Polat, "International Law, the Inherent Instability of the International System and International Violence", *Oxford Journal of Legal Studies*, vol. 19, Spring 1999, p. 56.

Kirsch, *op. cit.*, pp. 382-385.

۱۰. در مورد ابزاری شدن حقوق بین‌الملل نک:

۱۱. نک: نادر ساعد، «قطعه‌نامه سپتامبر ۲۰۰۴ و عملکرد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آزمون

اجرای حقوق بین‌الملل»، *مجله پژوهشهای حقوقی*، ش ۵، ۱۳۸۳، صص ۱۱۹-۱۰۳.

در این گستره، رفتارهای غیرعادلانه، جانبدارانه و مغایر موازین عام‌الشمول حقوق بین‌الملل و از جمله حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای از سوی آژانس، متعدد و بسیارند اما موضوع این تحلیل، عدول دبیرخانه آژانس از توافق دوجانبه با ایران در مورد درک و ترسیم شیوه حل نهایی و قاطع مسائل باقیمانده راجع به برنامه هسته‌ای (موسوم به مدالیت‌ه یا طرح کاری) است؛ اقدامی که نشان می‌دهد ایران به‌عنوان عضو قدیمی آژانس و نظام عدم گسترش، در برابر سیر اتهامات سیاسی و غیرفنی برخی قدرتها به نحوی که آژانس لازم می‌دانسته، عمل نموده و اقدامات متعاقب آن به منظور پیچیده‌تر کردن پرونده و ایجاد بن‌بست در مسیر حل قطعی و یکباره آن، هرگز متناسب به ایران نبوده است. ضمن اینکه متأسفانه فقدان استقلال و بیطرفی در برخی مسؤولان دبیرخانه آژانس نیز ظرفیتهای ادامه این روند سیاسی و غیرفنی را ارتقاء داده است.

در این خصوص، ابتدا به مرور همکاری و تعامل سازنده جمهوری اسلامی ایران با آژانس به منظور حل قطعی مسائل باقیمانده و ممانعت از طولانی شدن این روند پرداخته می‌شود (بند اول) و سپس تخلفات آشکار دبیرخانه آژانس از توافقیهای مندرج در سند مدالیت‌ه به منزله موافقتنامه حقوقی دوجانبه بین ایران - آژانس، بیان می‌گردد و نهایتاً گزارش اخیر البرادعی (بند سوم) و قطعنامه جدید شورای امنیت (بند چهارم) نیز تجزیه و تحلیل می‌شود.

بند اول: چارچوب حقوقی مدالیت‌ه ایران و آژانس برای حل قطعی پرونده هسته‌ای

مقطع زمانی مورد نظر این تحلیل، «۲۱ اوت ۲۰۰۷ تاکنون» است. در ۲۱ اوت ۲۰۰۷، متعاقب سه دور مذاکرات و ملاقاتهای البرادعی و دیگر مقامات آژانس با مسؤولان راهبری پرونده هسته‌ای کشور، سندی به ابتکار ایران و به نام «تفاهم جمهوری اسلامی ایران و آژانس در مورد مدالیت‌ه‌های حل مسائل باقیمانده»^{۱۲} که اغلب به‌عنوان «مدالیت‌ه» یا «برنامه کاری» یاد می‌شود، تدوین گردید و به امضای مقامات عالی دو طرف رسید. این سند به

12. "Understandings of the Islamic Republic of Iran and the IAEA on the Modalities of Resolution of the Outstanding Issues", Tehran, 21 Aug. 2007, also as INFCIRC/711, Attached to GOV/2007/48, pp. 1-4.

اعتبار ارزش حقوقی آن در مناسبات طرفین و نقش آن در ترسیم مسیر حل «نهایی» ابهاماتی که با انگیزه‌های سیاسی از سوی برخی دولتهای دشمن ایران و با کمک سازمانهای جاسوسی مطرح و مبنای کار آژانس قرار گرفته بود، به گونه‌ای تدوین گردید که «یکبار برای همیشه» این مسائل اعم از اینکه راجع به فعالیتهای هسته‌ای «گذشته و حال» باشند، حل و فصل گردند.

شایان ذکر است که این توافقنامه به‌عنوان سند رسمی آژانس با شماره INFCIRC/711 به ثبت رسید و به رغم مخالفت‌های شدید امریکا، ضمیمه گزارش GOV/2007/48 مدیرکل آژانس گردید و حتی در مقدمه قطعهنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت نیز به رسمیت شناخته شد.^{۱۳}

ساختار این موافقتنامه بر پایه چهار محور، طراحی و تدوین گردید:

۱. آخرین تحولات: در این بند، مسائل کنونی (شامل برنامه غنی‌سازی، راکتور آب سنگین اراک، تعیین بازرسان جدید، صدور روایدهای چندباره برای ورود بازرسان) و مسائل گذشته (پلوتونیوم، سانتریفیوژهای پی ۱ و پی ۲، منشأ آلودگی و اورانیوم فلزی) به صورت احصائی مقرر شد؛
۲. مدالیته حل سایر مسائل باقیمانده (شامل پلوتونیوم ۲۱۰ و معدن گچین)؛
۳. مطالبات ادعائی؛ و
۴. درک کلی.

در تحلیل محتوای این توافقنامه، لازم است خصایص آن را مدنظر قرار داد. در این خصوص سه ویژگی مهم را می‌توان متذکر شد.

۱. بیان توافق طرفین برای حل قطعی مسائل باقیمانده یکبار برای همیشه

این توافقنامه، نتیجه ابتکار طرف ایرانی به منظور خاتمه دادن به روند پرفراز و نشیب بررسی فعالیتهای صلح‌آمیز هسته‌ای کشور بوده است. در این رابطه تلاش شد تا به سناریوپردازی‌های استمراری امریکا به منظور نگه داشتن مسأله هسته‌ای ایران در دستور کار شورای حکام (و در نتیجه، شورای امنیت) خاتمه دهد و با فراهم ساختن امکان پردازش

13. A/RES/1803 (2008), p. 2.

دقیق و جامع هرگونه پرسش و ابهام در مورد فعالیتهای هسته‌ای کشور، به ارائه اطلاعات لازم پرداخته و ثابت نماید که این چندین سال زحمت‌آفرینی برای ایران و آژانس تنها مبتنی بر اهداف و انگیزه‌هایی سیاسی بوده است. البرادعی نیز با پذیرش این ابتکار به رغم مخالفت‌های امریکا، انگلیس و فرانسه و حتی انتقادهای حقوقی نمایندگان این کشورها، بر چنین عزمی مهم تأیید زد و با برگزاری سه نشست مذاکراتی مبتنی بر روحیه همکاری متقابل و سازنده، مسیر کلی کیفیت اقدام به منظور حصول به این اهداف مشترک ترسیم گردید و رسماً به‌عنوان سند آژانس منشتر و در دسترس همه دولت‌ها قرار گرفت.

۲-۱. احصاء دقیق مسائل باقیمانده با تفکیک فعالیتهای گذشته و حال

به منظور حل قطعی مسأله هسته‌ای ایران، طرفین «کلیه مسائل باقیمانده‌ای»^{۱۴} را که دبیرخانه آژانس در روند کاری خود قرار داده بود، بررسی کردند و آنها را در قالب چهار مسأله کنونی و شش مسأله مربوط به فعالیتهای گذشته دسته‌بندی کردند و مسأله مطالعات ادعائی نیز در بندی مجزا با سه محور معین تصریح گردید.

احصائی بودن مسائل باقیمانده، از اهمیت فراوانی برخوردار است، زیرا طرفین اراده مشترک خود را بر این نکته متمرکز کردند که «غیر این موارد، هیچ مسأله‌ای را نتوان به‌عنوان مسأله باقیمانده قرار داد». این امر، به‌عنوان مجرائی برای دستیابی به «حل قطعی مسأله هسته‌ای یکبار برای همیشه» بوده است. در این خصوص شایسته است به بند ۱ بخش یا محور چهارم مدالیت‌ها اشاره نمود که با تصریح شفاف به این امر، امکان هرگونه تفسیر یا سوء تفاهم را مرتفع نموده است. بر اساس این بند:

«این مدالیت‌ها همه مسائل باقیمانده را تحت پوشش قرار می‌دهد و آژانس تأیید می‌کند که هیچ مسأله باقیمانده دیگری در مورد برنامه و فعالیتهای گذشته ایران وجود ندارد».

در بند ۲ همین بخش و در ادامه بند فوق، چنین تصریح شده است:

«آژانس توافق نمود که کلیه پرسش‌های باقیمانده را مطابق با برنامه کاری فوق، به ایران

14. See for example: Sharon Squassoni, Nima Gerami, "Take Two: Iran's Plan for Nuclear Compliance", *Proliferation Analysis*, March 5, 2008, www.carnegiendowment.org/files/taketwo.pdf.

ارائه نماید. این بدان معناست که بعد از دریافت این پرسشها [توسط ایران]، هیچ پرسش دیگری باقی نمی‌ماند».

نتیجه این خصیصه بارز توافقنامه مذکور آن است که نمی‌توان هیچ محور دیگری را خواه به‌عنوان مسأله باقیمانده یا پرسش باقیمانده، در مورد فعالیت‌های گذشته یا حال، در دستور کار اقدام دبیرخانه آژانس قرار داد یا به چارچوب مدالیته افزود مگر اینکه طرفین در مورد آن توافق نمایند. به تعبیر دیگر، افزودن محورهایی دیگر به مدالیته به هر بهانه‌ای که باشد، مغایر با احصائی بودن محورهای مدالیته و توافق طرفین برای حل این پرونده یکبار برای همیشه است.

۳. تعیین زمان‌بندی برای حل مسائل باقیمانده

به منظور اینکه بتوان ۱۰ محور فوق را به انجام رساند، طرفین بر سر برنامه زمان‌بندی کلی ۱۸ ماهه به توافق رسیدند. شایان ذکر است که در همان نشست ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۷ که سند مدالیته تهیه شد، ایران در مورد دو محور از فعالیت‌های کنونی (تعیین بازرسان جدید و صدور ویزاهای چندباره) به توافق رسید. اما در مورد زمان‌بندی اقدام طرفین راجع به دو محور دیگر مسائل باقیمانده حاضر و کلیه بندهای مسائل گذشته، زمان‌بندی تعیین گردید. گفتنی است این مسائل طی گزارشهای نوامبر ۲۰۰۷ و فوریه ۲۰۰۸ آژانس، رسماً حل شده اعلام گردیدند.

با اینحال، در مورد زمان‌بندی راجع به مطالعات ادعائی، در مدالیته تصریحی به عمل نیامد. در این رابطه، همانطور که کشورمان عقیده دارد، عدم تصریح را نمی‌توان به معنای فقدان برنامه زمان‌بندی در این رابطه قلمداد نمود. بند سوم مدالیته با عنوان «مطالعات ادعائی»، چنین مقرر داشته است:

«ایران مصرانه تأکید می‌کند که مطالعات ادعائی را اتهاماتی مبتنی بر انگیزه سیاسی و بی‌اساس می‌داند. با اینحال، آژانس دسترسی ایران به اسنادی را که در رابطه با پروژه نمک سبز، تست مواد با قدرت انفجاری بالا و واردات مجدد موتور موشک در اختیار دارد، فراهم خواهد ساخت. ایران به نشانه حسن نیت و همکاری با آژانس به محض

دریافت همه اسناد مرتبط، ارزیابی خود را به مرور به آژانس اطلاع خواهد داد.^{۱۵}

بجز موارد مندرج در بخش ۱، کلیه محورهای اصلی مدالیتیه که در بخش دوم آمده است، در زمان بندی حداکثر تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۷ قرار گرفته‌اند. با در نظر داشتن عناصر و مؤلفه‌های زیر، این بند نیز به رغم عدم تصریح، تابع همین زمان بندی بوده است: اولاً اصل کلی در تفسیر معاهدات بین‌المللی (که این توافقنامه نیز توافقی حقوقی میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیرو سند پادمان و توافق دو طرف به منظور دستیابی به درکی مشترک از نحوه اقدام در حل مسائلی است که چند سال لاینحل مانده است)، رعایت حسن نیت و تعبیر واژگان سند در معنای معمولی‌شان در سیاق آنهاست.^{۱۶} این اصل کلی، بیان حقوق مسلم عرفی است که در ماده ۳۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات^{۱۷} و رویه قضائی بین‌المللی جاری و مورد تأکید است. در بخش سوم مدالیتیه مشخص نیست که موارد مطالعات ادعائی، همان سه محور بیان شده در آن بند است یا موارد دیگری نیز وجود دارد. با اینحال، عبارت پردازی این بند مبین آن است که با باز گذاشتن دامنه این محور به ادعاهایی که ممکن است بعد از انعقاد این سند مطرح شوند، نمی‌توان به هدفی که از تدوین مدالیتیه داشته‌اند، دست یافت. برای آژانس و همچنین ایران، مبرهن بوده (بلکه می‌بایست چنین بوده باشند) که طرفهای طراح این اتهامات که از انگیزه سیاسی قوی هم در این روند برخوردار بوده و هستند، همانطور که این اتهامات را مطرح کرده‌اند، برای دامن زدن به آنها در آینده نیز دست از کار نخواهند کشید. در این صورت و با قوتی که چنین وضعیتی داشته است، طرفین نمی‌توانسته‌اند هم این امکان طرح استمراری اتهامات را بپذیرند و هم به حل و فصل قاطع مسائل باقیمانده بپردازند. به واقع، تصریح به اینکه «دیگر هیچ مسأله و ابهام باقیمانده‌ای در مورد برنامه و فعالیتهای

15. INFCIRC/2007/48, pp. 3-4, "Iran reiterated that it considers the following alleged studies as politically motivated and baseless allegation. The Agency will however provide Iran with access to the documentation it has in its possession regarding: the Green Salt Project, the high explosive testing and the missile re-entry vehicle. As a sign of good will and cooperation with the Agency, upon receiving all related documents, Iran will review and inform the Agency of its assessment".

16. Article 31: General rule of interpretation

"1. A treaty shall be interpreted in good faith in accordance with the ordinary meaning to be given to the terms of the treaty in their context and in the light of its object and purpose".

17. Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969; Done at Vienna on 23 May 1969. Entered into force on 27 January 1980, United Nations, Series, vol. 1155, p. 331. see also http://untreaty.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/1_1_1969.pdf.

گذشته وجود ندارد»^{۱۸} نقطه آخر زمان‌بندی طرح اتهام را زمان انعقاد این سند قرار داده به گونه‌ای که «مسائل و ابهامات» پس از آن تاریخ، هیچ نقشی در روندی که طرفین برای عادی‌سازی رسیدگی به فعالیتهای هسته‌ای ایران ترسیم کرده‌اند، نخواهند داشت. بلکه اساساً این اتهامات خارج از این مجرا خواهند ماند.

ثانیاً مفاد بخش چهارم مدالیت با عنوان «درک‌های کلی»^{۱۹} متضمن وضعیتی است که در خصوص تمامی مفاد مدالیت قابل اعمال است. در واقع، این بخش در حکم استنتاج و ملاحظات کلی است. بر اساس بندهای ۱ و ۲ این بخش، مدالیت ناظر بر «کلیه مسائل و پرسشهای باقیمانده» بوده و هیچ «مسئله»^{۲۰} یا «ابهام»^{۲۱} باقیمانده دیگری وجود نخواهد داشت. بنابراین، آژانس نمی‌توانسته با طرح پرسشها یا ابهامات جدیدی بعد از ۲۱ اوت ۲۰۰۷، «مسائل یا ابهامات دیگری» را مطرح نماید که موجب لاینحل ماندن مدالیت‌های شود که حداکثر تا ۱۵ سپتامبر، باید اساسی‌ترین گامهای مورد توافق برای حل ابعاد احصاء شده پرونده هسته‌ای بردارد.

ثالثاً رویه بعدی طرفین به‌عنوان مبنای حقوقی شناخته شده و عرفی حقوق بین‌الملل در تفسیر مفاد توافقاتی حقوقی بین‌المللی، عنصری تکمیلی است که نشان می‌دهد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان طرف این توافقنامه بر این نظر بوده که زمان‌بندی راجع به حل نهایی «مطالعات ادعائی» نیز همانند آنچه در بندهای دیگر این سند مقرر شده است، تعیین گردیده و روند لاینقطع پیش از تاریخ انعقاد این سند، خاتمه یافته است. در این رابطه، نص گزارش البرادعی متعاقب تدوین مدالیت، به این امر اذعان دارد. بر اساس بند ۲ گزارش GOV/2007/48 البرادعی تصریح شده که بر اساس سند تفاهم ایران و آژانس، «مدالیت‌ها و زمان‌بندی‌ها، نهایی گردید».

رابعاً نظر به اینکه آژانس هنگام انعقاد این توافقنامه، اسناد اتهامات امریکا در مورد مطالعات ادعائی را که تنها مقید به سه محور بوده، در اختیار داشته است، و اینکه عبارت‌پردازی مفاد بخش سوم راجع به این مطالعات ادعائی با بندهای مختلف بخش دوم مربوط به «مدالیت‌های سایر مسائل باقیمانده» یکسان است، مفروض این است که

18. "These modalities cover all remaining issues and the Agency confirmed that there are no other remaining issues and ambiguities regarding Iran's past nuclear program and activities", INFCIRC/2007/48, IV, para. 1.

19. General understandings

20. Issue

21. Ambiguity

زمان‌بندی ارائه اسناد و مدارک راجع به این اتهامات هم همان حداکثر «تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۷» بوده است. اگر ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۷ حداکثر زمانی است که طرفین برای حل سایر مسائل باقیمانده در نظر داشته‌اند، چه دلیلی دارد که مسأله مطالعات ادعائی به زمانی طولانی‌تر از آن کشانده شود. اگر طرفین قصد داشته‌اند که به چندین سال فراز و فرود در حل مسائل باقیمانده هسته‌ای خاتمه دهند و آژانس نیز از این گردونه رکود و بن‌بست خارج شود، نمی‌توان مدت زمان را برای حل مسائل راجع به مطالعات ادعائی، به صورت نامحدود و یا برای مدت زمانی بیش از این تجویز کرد. ایجاد زمان‌بندی نامحدود یا بیش از ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۷، با قصد طرفین برای خاتمه دادن به روند طولانی حل این پرونده، در تناقض بوده و این فرض غیرقابل قبول است بلکه اعتبار سایر بندها را نیز مخدوش می‌نموده است.

اما همانطور که در بند دوم این تحلیل خواهد آمد، دبیرخانه آژانس با در پیش گرفتن رویه‌ای شگفت‌انگیز و غیرکارشناسی، نه تنها از مدالیتت تخلف کرد و چشم‌انداز حل قطعی مسائل باقیمانده پرونده هسته‌ای ایران را تیره و تار کرد بلکه زمام مدیریت حل و فصل مطالعات ادعائی را در اختیار قدرتهای بزرگ قرار داد تا به این روند چندساله سیاسی کاری در آژانس و ابزاری کردن آژانس علیه عدالت، توسعه برابر و حقوق جهانی ملت‌های در حال توسعه، ادامه دهند، روندی که تهدیدی جدی برای همه ساختارها و سازوکارهای حقوقی بین‌المللی و امید به دنیای مبتنی بر روابط عادلانه و حقوق برابر دولتها و ملت‌ها خواهد بود.

بند دوم: تزلزل در صداقت رفتار دبیرخانه آژانس، گذار به بن‌بست هسته‌ای

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با پذیرش مدالیتت به‌عنوان تنها چارچوبی که بر پایه آن بحران و مجادله هسته‌ای غرب با ایران باید حل و فصل گردد، افقی روشن و امیدوارکننده را به روی این مسأله گشود. اما آمریکا از همان ابتدا تأثیر مثبت این توافق را در برملا کردن توطئه‌ها و اتهامات بی‌اساس این کشور دریافته بود، به صورت مستمر و گوناگون در تلاش برآمد تا این توافق را در جریان کاری آژانس خنثی نماید. با ناکام ماندن این تلاش‌ها، استفاده ابزاری از مسئولان دبیرخانه آژانس در دستور کار این کشور قرار گرفت.

آنچه در بالا اشاره شد، زمینه سیاسی اقدامی است که در قالب نتایج و یافته‌های دبیرخانه آژانس در گزارش اخیر البرادعی اعلام شده است. اما برای افشای عدم صداقت در رفتار مدیران دبیرخانه آژانس و جهت‌گیری غیرحرفه‌ای و مغرضانه آنها، کافی است به تخلفاتشان از مدالیته دقت شود. در این بند، تخلفات دبیرخانه از مدالیته عرضه می‌گردد. در این خصوص ضروری است به تحلیل حقوقی چند مسأله اصلی راجع به مدالیته پرداخته شود.

۱. مخدوش‌سازی اهداف مدالیته و دستاوردهای حیاتی آن

بخش چهارم مدالیته، کارکرد و غایت مدالیته را در روابط ایران و آژانس تصریح و بیان نموده است. بر اساس بند ۳ این بخش، هیأت نمایندگان آژانس بر این عقیده‌اند که این توافق (مدالیته) در خصوص مسائل فوق‌اجرای مؤثر پادمان در ایران را بیش از پیش ارتقا خواهد داد و آژانس را قادر خواهد ساخت تا ماهیت صرفاً صلح‌آمیز فعالیت‌های هسته‌ای ایران را استنتاج نمایند.

در بند ۴ نیز به صورت منجز یافته‌های آژانس در مورد عدم انحراف در مواد هسته‌ای اظهارشده ایران در تأسیسات غنی‌سازی و صرفاً صلح‌آمیز بودن آنها را بیان داشته^{۲۲} و در بند ۵، تصریح گردیده که:

«آژانس و ایران توافق کردند که متعاقب اجرای برنامه کاری فوق و مدالیته‌های توافق شده برای حل و فصل مسائل باقیمانده، اجرای پادمان در ایران به روش عادی انجام خواهد شد».^{۲۳}

بنابراین، تصمیم طرفین این بوده، که با روش و زمان‌بندی‌هایی که در این سند مقرر شده، مسائل معین و مصرح را که تنها مسائل باقیمانده شناخته شده‌اند، حل و فصل نمایند تا پس از آن، پرونده هسته‌ای ایران از دستور کار شورای حکام خارج و رسیدگی‌ها عادی شود و به وضعیت قبل از سپتامبر ۲۰۰۳ بازگردد.

-
22. "The Agency has been able to verify the non-diversion of the declared nuclear material at the enrichment facilities in Iran and has therefore concluded that it remains in peaceful use".
23. "The Agency and Iran agreed that after the implementation of the above work plan and the agreed modalities for resolving the outstanding issues, the implementation of safeguards in Iran will be conducted in a routine manner".

این غایت، علل ممانعت غرب از اجرای مدالیته را نشان می‌دهد. چراکه آژانس طی اقداماتی که متعاقب مدالیته انجام داد، همه محورهای مسائل گذشته و سایر مسائل (بخشهای اول و دوم مدالیته) را به انجام رساند و تنها اجرای بخش سوم مانده بود تا مفاد بند ۵ بخش چهارم، قابلیت تحقق یابد. بر این اساس، بخش سوم تنها محوری بود که غربی‌ها می‌توانستند با برهم زدن روند کاری آژانس، از تحقق کامل اهداف آن ممانعت نمایند.

۲. عدم رعایت زمان بندی ارائه اسناد مطالعات ادعائی

در بند اول این تحلیل، به تفصیل بیان شد که آژانس در پرتو توافقی که در قالب برنامه کاری با ایران داشته، نمی‌توانسته و نمی‌تواند دامنه پیگیری موضوعی و زمانی «مطالعات ادعائی» را به گونه‌ای بسط دهد که اجرای مدالیته از برنامه زمانی کلی ۱۸ ماهه‌ای که طرفین پیش‌بینی کرده بودند، فراتر رود. آژانس در بخش سوم مدالیته متعهد شده بود که هر آنچه سند و مدرک در مورد مطالعات ادعائی مطرح شده تا آن زمان در اختیار داشته، در اختیار ایران قرار دهد. ایران نیز متعهد شده بود که به محض «دریافت» همه اسناد مربوط، ارزیابی قبلی خود را دائر بر اینکه این مطالعات، اتهاماتی سیاسی و بی‌اساس هستند، مرور نموده و به اطلاع آژانس برساند.

اما آژانس هیچگاه به تعهدی که در این قالب پذیرفته بود، عمل ننمود و با وجود اینکه همه محورهای دیگر مدالیته حل و فصل شده بودند، عمداً درصدد خنثی کردن مدالیته برآمد. اولاً به بهانه اینکه امریکا به‌عنوان ارائه کننده اسناد این اتهامات، اجازه نداده ایران به آنها دسترسی داشته باشد، از قرار دادن آنها در اختیار ایران خودداری کرد و به جای آن، در هر بار مذاکرات، پرسشهای اضافی را برای پاسخ به ایران تحویل داد. در این روند، تخلفات آژانس به شرح زیر آشکار است:

۳. عدم توجه به بسط بودن گستره مطالعات ادعائی

مفاد بخش سوم مدالیته مطالعات ادعائی را به صورت بسط در نظر داشته و دامنه آنها را «معین» تلقی کرده و بیان آن به‌عنوان مسأله‌ای «نامعین» خودداری کرده است. بر اساس

مفاد صدر این بخش، مبنای مطالب این بند بر این نکته متکی است که تنها هدف و منظور طرفین، «مطالعات ادعائی زیر» یا the following alleged studies است و این موارد، مشتمل بر سه مورد یعنی «پروژه نمک سبز، تست مواد با قابلیت انفجاری بالا و سر جنگی موشک» هستند و بس. بنابراین، آژانس در پرتو مدالیته و توافقی که برای حل هر مسأله راجع به این مطالعات به عمل آورده، نمی‌تواند بر دامنه آن بیفزاید.

۴. عدول از ارائه کلیه اسناد مطالعات ادعائی به ایران

از طرف دیگر، آژانس متعهد شده برای اینکه این مسأله نیز همانند سایر محورهای مسائل باقیمانده حل و فصل گردد، آژانس ابتدا باید «همه اسناد مربوط» را در دسترس ایران قرار دهد.

اولاً منظور از اسناد یا documents، در معنای عادی و معمولی مورد نظر ماده ۳۸ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات و ادبیات حقوقی، «مدارک کتبی»^{۲۴} است. اما آژانس نه تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۷، بلکه هیچگاه به ارائه و تحویل این اسناد کتبی که اتهامات مطالعات ادعائی مستند به آنها مطرح شده‌اند، اقدام ننموده به جای آن هر بار بر میزان پرسشهای خود آن‌هم در رابطه با مطالعات ادعائی خارج از محورهای سه‌گانه فوق افزوده و از پاسخهای ایران، پرسشهای مجدد و جدید را استخراج نموده است.

آژانس به جای اینکه اسناد را کتباً به ایران تحویل دهد، برخی موارد را آن‌هم نه به صورت کتبی بلکه در قالب اسلاید تنها به ایران «نشان»^{۲۵} داده و به «نمایش» گذاشته است. در حالی که جمله دوم بخش سوم مدالیته به «دریافت» (receiving)^{۲۶} همه اسناد مربوط اشاره کرده و اقدام ایران را متعاقب دریافت این اسناد دانسته است.^{۲۷} بدیهی است

24. Gerald and Kathleen Hill, *The People's Law Dictionary*, Publisher Fine Communications: "document; n. a popular generic word among lawyers for any paper with writing..."
www.dictionar.law.com/default2.asp?selected=

25. GOV/2008/4, 22 Feb. 2008, paras. 42 and 54.

۲۶. رویه آژانس در مورد معنای «دریافت» نیز متضمن انتقال و تحویل اسناد و مدارک کتبی این ادعاها در اختیار ایران است. در این خصوص، نک: بند ۲۸ گزارش ۲۰۰۸/۱۵ مدیر کل آژانس.

۲۷. به شهادت موارد مصرح در گزارشهای البرادعی، آژانس به جای تحویل کامل اسناد به طریق زیر عمل کرده است: بندهای ۴۲ و ۴۸ گزارش ۲۰۰۸/۴: نشان دادن اسناد (show)؛ بند ۳۹ همان گزارش: در دسترس قرار دادن اسناد (made available).

که در موارد طرح اتهام، فرض بر برائت است و حتی در سیستمهای تفتیشی هم نخست به متهم «اتهام تفهیم» می‌گردد و اسناد اتهام ارائه می‌شود. اما با اینکه البرادعی نیز تحویل سند اتهام را شرط ضروری انتظار پاسخ متقن ایران شمرده، آژانس با تن دادن به فشارهای امریکا، بدون اینکه مشروح اسناد مبنای اتهام را به ایران تحویل دهد، خواستار پاسخ متقن و قانع کننده شده است. تردیدی نیست که «نمایش دادن» بخشی از اسناد و مدارک اتهام را نمی‌توان متضمن تحقق «دریافت همه اسناد مربوط»^{۲۸} توسط ایران تلقی کرد.

ثانیاً، آنچه مدالیته در رابطه با مطالعات ادعائی پیش‌بینی کرده، هرگز موجبی نخواهد بود که آژانس در مورد آنها پرسشی مطرح نماید یا چالشی خلق کند: اقدام آژانس صرفاً این است که اسناد کتبی راجع به سه مصداق انحصاری مطالعات ادعائی را که در اختیار دارد، در دسترس ایران قرار دهد.^{۲۹} ایران هم با در نظر گرفتن اسنادی که دریافت کرده است، ارزیابی خود را دائر بر اینکه اینها اتهاماتی سیاسی و بی‌اساس هستند، مرور (review) نموده و نتیجه را به اطلاع (inform) آژانس برساند.

روشن است که هیچگونه امکانی برای ایجاد چالش در این رابطه وجود ندارد. آژانس حق ندارد با بسط مفاد این بخش از مدالیته پرسشهای جدیدی مطرح کند یا به امریکا امکان دهد مدارک دیگری در ادامه همین اتهامات بی‌اساس ارائه دهد. در نتیجه، مدالیته افق روشنی را به روی مطالعات اتهامی نیز ترسیم کرده که می‌بایست آژانس با ارائه مدارکی که تا تاریخ انعقاد مدالیته در اختیار داشت، منتظر اقدام با حسن نیت ایران می‌ماند و سپس، این محور را حل شده اعلام می‌کرد. آژانس رویه‌ای کاملاً خلاف این امر را در پیش گرفته است.

۵. عدم اعتنا به ثانوی بودن تعهد ایران در قبال مطالعات ادعائی

با تخلفاتی که آژانس در روش و زمان‌بندی حل مطالعات ادعائی مرتکب شده، ایران نمی‌توانسته حسن نیت خود را عملی و «ارزیابی قبلی خود را مرور و به اطلاع آژانس برساند». در واقع، اولاً همانطور که بخش سوم مدالیته تصریح دارد، ایران هیچ تعهدی به پاسخ دادن به مطالعات اتهامی نداشته و تنها این امر را «به نشانه حسن نیت و همکاری

28. Upon receiving all related documents

۲۹. بندهای ۳۷ و ۳۹ گزارش ۲۰۰۸/۴ نیز منظور از اسناد، مدارک کتبی است.

با آژانس» متقبل شده است. ثانیاً اقدام ایران منوط به «دریافت همه اسناد مربوط» بوده در حالی که آژانس هرگز «همه این اسناد» را «تحویل» نداده و این پرهیز را به عدم رضایت دولت ارائه کننده این اسناد (و طراحی این اتهامات) مربوط کرده است. ضمن اینکه به راستی این پرسش بجاست که چه مبنای حقوقی ای برای هراس آژانس بین‌المللی بین‌المللی از امریکا و تأکید آن بر لزوم اخذ رضایت دولت اتهام‌زننده، وجود دارد. این در حالی است که همین نهاد با وجود تصریح مقررات پادمان به لزوم حفاظت از اطلاعات محرمانه دولتهای عضو، بارها اطلاعات محرمانه راجع به فعالیتهای هسته‌ای کشورمان را در اختیار همه کشورها و رسانه‌های غربی قرار داده است.

۶. تدوین متخلفانه ضمیمه گزارش فوریه ۲۰۰۸

بر مبنای مدالیت، آژانس قرار بود که دیگر نگذارد دامنه مسائل باقیمانده حال و گذشته، افزایش یابد. بر این اساس، نمی‌توانسته هیچ بند یا محور جدیدی را بدان بیفزاید. اما با کمال تعجب و شگفتی، در گزارش فوریه ۲۰۰۸ فهرستی طولانی از پرسشهایی جدید را که خارج از قالب مدالیت بودند، ضمیمه گزارش نمود و مدعی شد که ایران به این پرسشهای آژانس پاسخ نداده است. در واقع، از همین زمان به بعد آژانس تلاش کرد تا نگذارد تنها مسأله باقیمانده مدالیت حل و فصل شود بلکه مواردی جدید به مطالعات ادعائی و مسائلی دیگر (نظیر مسائل دارای ابعاد احتمالی نظامی)^{۳۰} به بهانه همین مطالعات، افزوده شود. این در حالی بود که مصادیق مطالعات ادعائی می‌بایست همان سه محوری می‌بود که در بخش سوم مدالیت تشریح شده بود.

در این رابطه، آژانس به صورت آشکار مفاد بخش سوم مدالیت و همچنین بندهای ۱ و ۲ بخش چهارم مدالیت را زیر پا گذاشت. طبیعی بود که ایران حقی داشت در طول مذاکرات قبل از انتشار گزارش فوریه ۲۰۰۸ از پاسخ دادن به پرسشهایی که خارج از گستره مدالیت بوده‌اند، خودداری نماید و آن را خلاف «حل قطعی و یکبار برای همیشه»

۳۰. هم در بیانیه اعضای گروه ۵+۱ بعد از تصویب قطعنامه ۱۸۰۳ و هم گزارش ۲۰۰۸/۴ البرادعی، آنچه ممکن است ماهیت نظامی احتمالی داشته باشد، معادلی برای «مطالعات ادعائی» بیان شده‌اند (بندهای ۳۷ و ۳۹ گزارش ۲۰۰۸/۴ مدیر کل آژانس). اما البرادعی بی‌دلیل در بند ۲۸ گزارش ۲۰۰۸/۱۵، این دو را در بندهایی جداگانه قرار داده است.

مسأله هسته‌ای بداند.

گفتنی است که ایران بعداً تنها به نشانه حسن نیت و همکاری بیشتر با آژانس و اثبات حقانیت اظهارات خود، حتی به برخی از این پرسشها هم به رغم محرمانه بودن اطلاعات آنها، پاسخ داد. اما آژانس با بی‌توجهی به حسن نیت ایران، هر بار با رویکردی بهانه‌جویانه، پرسشهایی جدید را مطرح نمود. تا اینکه در اعتراض به این عملکرد مغرضانه، کشورمان در آخرین دور مذاکرات خود با هاینونن، قصد خود مبنی بر بازگشت به مدالیته به عنوان تنها مبنای حقوقی و توافق شده در حل نهایی مسأله هسته‌ای را اعلام و اعتراض رسمی خود به عملکردهای غیرقانونی تیم آژانس را نیز به مدیرکل تسلیم نماید.

بند سوم: گزارش سپتامبر مدیرکل آژانس در مورد عملکرد هسته‌ای ایران

گزارش جدید البرادعی در مورد اجرای موافقتنامه‌های پادمان و قطعنامه‌های شورای امنیت در کشورمان، ۲۵ شهریور (۱۳۸۷) منتشر شد^{۳۱} و همچنان که کارشناسان ایرانی پیش‌بینی می‌کردند، باز هم البرادعی به رویکرد دوپهلوی خود ادامه داد و البته این بار، برخلاف دو گزارش قبلی خود که روندی سازنده و مبتنی بر پیشرفت را در حل مسائل باقیمانده هسته‌ای تأیید می‌نمود، کشورمان را به عدم همکاری با بازرسان آژانس متهم نمود و نتایج اقدامات اخیر آژانس و همکاری‌های کشورمان را منتج به «پیشرفت» تلقی ننمود. گزارش آژانس در ۲۲ سپتامبر، مورد بحث ۳۵ عضو شورای حکام قرار گرفت و بدون اینکه به تصویب قطعنامه‌ای بیانجامد، در جوی از تقابل اراده طرفهای پرونده هسته‌ای و دیگر بازیگران، خاتمه یافت.

۱. استمرار رویکرد توازن قوتها و ضعفها در روح کلی گزارش البرادعی

روح گزارش اخیر البرادعی بر حفظ همان رویکرد گزارشهای قبلی یعنی بیان دوپهلوی «تأیید صلح‌آمیز بودن فعالیتهای اظهارشده» و «عدم اطمینان به فقدان برنامه‌های هسته‌ای

31. Implementation on the NPT Safeguard Agreements and Related Provisions of the Security Council Resolutions 1737 (2006), 1747 (2007) and 1803 (2008) in the Islamic Republic of Iran, GOV/2008/38, 15 Sep. 2008.

اظهار نشده» است. ضمن اینکه در گزارشهای بعد از شهریور سال گذشته همواره رویکرد سازنده همکاری‌ها و تعاملهای هسته‌ای کشورمان با آژانس نیز نمودار می‌شد. به طوری که در دو گزارش قبلی، به صراحت بسیاری از مسائل باقیمانده مندرج در مدالیت «حل شده» اعلام گردید و از دستور کار آژانس خارج شد. اما این گزارش، تصریح دارد که ایران در مورد آخرین بلکه مهمترین مسأله از مسائل باقیمانده هسته‌ای، همکاری مورد نظر آژانس را معمول نداشته و در نتیجه «هیچ پیشرفتی» در کار آژانس حاصل نشده است.

در ضمن، در بخشی از گزارش برای برجسته کردن تأثیر منفی اقدامات هسته‌ای اخیر کشورمان بر منافع غرب، آمده است که «ایران بدون توجه به سه قطعهنامه پیشین شورای امنیت برای تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، همچنان در حال انجام این کار است و تاکنون یک‌سوم اورانیومی را که می‌تواند با فراوری دوباره مورد استفاده نظامی باشد، تولید کرده است».

این بیان آژانس در جستجوی تحمیل این دیدگاه است که یا باید اطلاعات و همکاری‌های مورد نظر آژانس به عمل آید و یا آنکه روند تحقق این اهداف از حالت دوجانبه خارج شده و از قطعهنامه‌های بعدی حتی در شورای حکام استفاده گردد.

شایان ذکر است که کشورمان طی بیش از صد صفحه پاسخ کتبی به مسأله مطالعات ادعائی مرتبط با ابعاد هسته‌ای نظامی، به پرسشهای آژانس پاسخ گفته اما به گفته یکی از اعضای کمیته هسته‌ای کشورمان، آژانس که تحت فشار و نفوذ شدید امریکا است هربار در مذاکرات هسته‌ای به جای اینکه به ارزیابی پاسخهای ایران پردازد و ابهامات را حل نماید، ابهامات جدید و پرسشهایی دیگر را از امریکا دریافت و به ایران ارائه می‌نمود. در واقع، هیچ انعطاف و رفتار سازنده‌ای در عملکرد تیمهای آژانس وجود نداشته است. به همین دلیل، به رغم سه دور مذاکرات فنی، هیچ پیشرفتی در حل ابهامات حاصل نشد و علت این بن‌بست، تنها و تنها تیمهای غیرمستقل و وابسته دبیرخانه آژانس بوده که به جای محدود کردن مأموریت خود به مقررات آژانس، در پی تحقق خواسته‌های امریکا بوده‌اند.

۲. واکنش دولت‌ها به محتوای گزارش البرادعی

سخنگوی کاخ سفید پس از انتشار گزارش گفته این گزارش، بار دیگر نشان می‌دهد که ایران از همکاری با جامعه بین‌المللی سر باز می‌زند و ادامه این کار، تنها باعث انزوای

بیشتر مردم ایران می‌شود. ایران باید یا غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند و یا در انتظار تحریمات جدید سازمان ملل متحد باشد. وزیر امور خارجه آلمان در دیدار یک ساعته با منوچهر متکی در برلین، قویاً از ایران خواسته است تا همکاری سازنده‌ای با جامعه بین‌المللی داشته باشد و یا از خطر دور جدید تحریمات علیه خود استقبال کند. وی با ابراز ناامیدی از نبود همکاری از طرف ایران، از این کشور خواست تا در اسرع وقت، اطلاعات مورد نیاز آژانس را در اختیار وین قرار دهد. وزیر خارجه انگلستان در واکنش به گزارش اعلام نموده که عملکرد ایران را قابل قبول نمی‌داند و در نتیجه، این کشور تلاش شدید خود برای اعمال تحریمات جدید بر ایران را آغاز خواهد کرد.

گفته می‌شود که مقامات چینی هم از ایران خواسته‌اند تا با آژانس همکاری کند اما صحبتی را از اعمال تحریمات جدید علیه ایران به میان نیاورد. وزیر امور خارجه چین ابراز امیدواری کرده که مشکلات موجود بین ایران و آژانس به‌زودی حل شود. در مورد واکنش‌های فرانسه و روسیه، هنوز خبری دریافت نشده است. اما خاویر سولانا در حاشیه نشست اتحادیه اروپا و کشورهای آسیای مرکزی در پاریس به خبرنگاران اظهار داشته که گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای ایران خوب نبود. وی مدعی شد: من فکر می‌کنم که پس از این گزارش همه بسیار نگران هستند. سولانا خاطرنشان کرد که این پرونده هفته آینده در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک مورد بررسی وزیران امور خارجه کشورهای عضو گروه ۵+۱ خواهد گرفت.

در بخشی از کنفرانس خبری رئیس‌جمهور ایران با خبرنگاران داخلی و خارجی در روز انتشار گزارش البرادعی، مواضع کشورمان در قبال این گزارش به صورت روشن بیان شد. رئیس‌جمهور در پاسخ به اینکه بعد از گزارش آژانس آمریکا و فرانسه و انگلیس خواستار تحریم‌های بیشتر علیه ایران شدند. با توجه به اینکه ایران اعلام کرده بود در صورت افزایش تحریمها در روابط خود با بانیان آن تجدید نظر خواهد کرد اگر شورای امنیت قطعنامه دیگری تصویب کند اقدام عملی ایران چه خواهد بود، اظهار داشت: در گزارش اخیر البرادعی حق به‌طور کامل به ملت ایران داده شد و در گزارش نوشتند که به‌طور کامل قادر به راستی‌آزمایی فعالیت‌های هسته‌ای ایران هستیم. وی با اشاره به بخش دیگری از گزارش البرادعی گفت: در مورد اینکه نوشته‌اند ایران به ادعای آمریکا پاسخ نداده است بله ما قرار هم نیست به ادعاهای آمریکا پاسخ بدهیم. مقررات آژانس هم اجازه نمی‌دهد که

ادعاهای یک کشور را علیه کشوری دیگر مطرح کند. رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه ایران تسلیم زیاده‌خواهی‌های کسی نخواهد شد یادآور شد: آژانس بارها تأیید کرده است که فعالیتهای هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است و ما معتقدیم الان مشکلی به نام هسته‌ای وجود ندارد. تحریم هم نشان دهنده عجز تحریم‌کننده‌ها و نشانه بزرگی ملت ایران است. وی با اشاره به تهدیدها اظهار داشت: این حرفها را هم برای حفظ آبروی خودشان زده‌اند. دست ملت ایران پر است و اگر تصمیم بگیرد مقابله به مثل کند این کار را با قدرت خواهد کرد. در حال حاضر صدها تاجر امریکایی و غربی اصرار دارند که جنس به ایران بفروشند اما ما شرط گذاشته‌ایم و امتناع می‌کنیم. به‌زودی یکبار دیگر دولت بوش تبلیغاتی مبنی بر تحریم و حمله راه خواهد انداخت اما دوران این حرفها تمام شده است.^{۳۲} مقامات و اکثر روزنامه‌های ایران نیز با تأکید بر جنبه‌های مثبت این گزارش، از آن به‌عنوان دلیلی بر تأیید صلح‌آمیز بودن فعالیتهای ایران یاد کردند.

بند چهارم: صدور شتاب‌زده قطعه‌نامه ۱۸۳۵ شورای امنیت

در شرایطی که اعضای گروه ۵+۱ به دلیل مخالفت شدید روسیه نتوانستند نشست موردنظر خود را در روز بعد از خاتمه نشست شورای حکام برگزار نمایند، وقوع سریع یک سلسه تحولات بویژه در نیویورک، زمینه را برای صدور شتاب‌زده قطعه‌نامه‌ای جدید در شورای امنیت علیه کشورمان فراهم کرد. تصمیم جدید روسیه و امریکا برای نزدیکی بیشتر به یکدیگر و گذار از فاصله و شکاف سیاسی ناشی از وقوع بحران گرجستان، مواضع ساختارشکن ایران در نشست مجمع عمومی ملل متحد و همچنین تعدیل مواضع امریکا و متحدانش در ماهیت خواسته‌های قابل درج در قطعه‌نامه شورای امنیت، همگی بخشهایی از این تحولات بوده‌اند.^{۳۳}

۳۲. نقل از خبرگزاری مهر.

۳۳. جالب اینکه بیانیه خبری اداره روابط عمومی ملل متحد در رابطه با قطعه‌نامه ۱۸۳۵، متضمن توضیحاتی افزوده و فراتر از متن است که علل تصویب این قطعه‌نامه را به صورت غیرعینی چنان مطرح نموده که گویی انتشار گزارش البرادعی مبنی بر ادامه فعالیتهای غنی‌سازی ایران و تن ندادن به تعلیق آنها، علت اصلی صدور قطعه‌نامه اخیر بوده است. نک:

در هر حال، قطعنامه‌ای که مخالفان برنامه هسته‌ای ایران ایجاد زمینه آن را در شورای حکام جستجو می‌کردند تا اقدام شورای امنیت تنها جنبه اعلامی نسبت به نظر و تشخیص فنی آژانس داشته باشد، به صورت مستقل از خواسته شورای حکام صادر شد. امریکا ظرف کمتر از ۲۴ ساعت، با جلب موافقت همه اعضای شورا بویژه اعضای دائم و از همه مهمتر، روسیه^{۳۴} و چین، پیش‌نویس قطعنامه پنجم را تهیه و در دبیرخانه شورای امنیت به جریان انداخت^{۳۵} و نهایتاً بدون حتی هیچ بحثی از سوی مخالفان یا موافقان با صرف زمان پنج دقیقه‌ای، به اتفاق آرا تحت عنوان قطعنامه ۱۸۳۵ مورخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸ به تصویب رسید. در این میان، تنها نماینده اندونزی بود که علل رأی موافق کشورش به قطعنامه را بر مبنای غیرتأسیسی بلکه اعلامی بودن این قطعنامه، بیان پایه‌های سه‌گانه معاهده عدم گسترش و عدم افزایش تحریمها بلکه تأکید کامل بر مذاکره،^{۳۶} توضیح داد.

قطعنامه ۱۸۳۵، پنجمین قطعنامه شورای امنیت در مورد برنامه هسته‌ای کشورمان است که با عنوان «عدم گسترش» در دستور کار شورا قرار داشته است. این سند هم از نظر زمینه‌ها و اقدامات مبنائی و هم مفاد آن، وضعیتی ویژه و منحصر به فرد دارد.

۱. عدم استناد به فصل هفتم منشور

رویه شورای امنیت در پیگیری مسائل مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی، این است که ماهیت اقدام و تصمیم خود را با استناد صریح به فصول مختلف آن تبیین و بیان می‌نماید. شورا پیش از این، چهار قطعنامه را با استناد به فصل هفتم منشور اعم از مواد ۳۹ یا ۴۱،



Security Council Reaffirms Earlier Resolutions on Iran's Uranium Enrichment, Calls on Country to Comply with Obligations 'Fully and Without Delay' Resolution 1835 (2008) Adopted Unanimously", Security Council, SC/9459, 27 Sep. 2008,

۳۴. نماینده روسیه در ملل متحد بعد از صدور این قطعنامه اعلام کرده که اصل متن قطعنامه مذکور، پیشنهاد و ابتکار این کشور بوده است. نک به: خبرگزاری مهر، انرژی هسته‌ای.

۳۵. پیش‌نویس این قطعنامه توسط بلژیک، چین، کرواسی، فرانسه، ایتالیا، روسیه، انگلستان و امریکا به عنوان اعضای شورا و همچنین آلمان به عنوان غیرعضو اما مدعو (بر مبنای ماده ۳۸ آئین‌نامه داخلی شورا) پیشنهاد گردید. جالب اینکه هیچیک از کشورهای در حال توسعه عضو غیردائم شورا (کاستاریکا، اندونزی، لیبی، پاناما، افریقای جنوبی و ویتنام) در این پیشنهاد مشارکت نداشتند. در میان اعضای غیردائم تنها بلژیک (به پیروی از اعضای اروپایی) و کرواسی (به تبعیت از روسیه) در پیشنهاد آن مشارکت کردند.

36. UN, S/PV.5984, p. 2.

تصویب نموده و به درست یا نادرست، مسأله هسته‌ای ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی شناخته است. اما این بار، قطعه‌نامه ۱۸۳۵ را در عین تأیید مجدد قطعه‌نامه‌های قبلی، به صورت کلی تصویب کرده بدون اینکه هیچ اشاره‌ای به فصل هفتم منشور بنماید. از اینرو و بر اساس رویه شورا، قطعه‌نامه ۱۸۳۵ تصمیمی بر اساس فصل هفتم نبوده و به رغم کلیت اثر و دامنه ماده ۲۵ منشور (مبنی بر الزامی بودن اجرای کلیه تصمیمهای شورا)، تصور می‌رود این قطعه‌نامه فاقد الزامی از نوع قطعه‌نامه فصل هفتمی شورا باشد.

البته به دلیل همین نمادها از تعدیل دامنه اقدام اخیر شورا علیه ایران است که موانع شکلی و ماهوی فراروی تصویب آن برطرف شده است. در غیراین صورت، احتمال وتوی برخی اعضا یا گسست در اتفاق آرای اعضای شورا وجود داشته است.

۲. تأسیسی نبودن محتوای قطعه‌نامه

این قطعه‌نامه نه تنها جنبه تأسیسی ندارد بلکه اساساً از محتوایی قائم به خود هم برخوردار نیست. قطعه‌نامه‌ای با دو بند مقدماتی و ۵ محور اجرایی آن‌هم تکرار قطعه‌نامه‌(های) گذشته (تأیید مجدد قطعه‌نامه‌های شورا و بیانیه رئیس شورای امنیت؛ تأیید مجدد مذاکره سریع و استقبال از تلاشهای مستمر در این رابطه، درخواست پایبندی ایران به تعهدات ناشی از قطعه‌نامه‌های شورا و الزامات شورای حکام و نهایتاً اشاره‌ای جدید به بیانیه مارس ۲۰۰۵)، سندی همانند سایر قطعه‌نامه‌های عادی شورا را جلوه‌گر نمی‌سازد.

اولاً شورا همچنان قطعه‌نامه‌های قبلی خود را مورد تأیید قرار می‌دهد. این رویه در هر یک از قطعه‌نامه‌های قبلی نیز وجود داشته و البته شورا با چنین اقدامی، درصدد است مصوبات قبلی خود را همچنان نافذ و معتبر بشمارد. ثانیاً قطعه‌نامه‌های قبلی شورا را برای ایران متضمن «تعهد» عنوان می‌کند و از ایران می‌خواهد به صورت کامل و بدون تأخیر، به آنها همراه با الزامات شورای حکام آژانس پایبندی نشان دهد. همین امر در قطعه‌نامه‌های قبلی نیز آمده است. ثالثاً بیانیه مارس ۲۰۰۵ (گروه ۵+۱ و خاور سولانا به‌عنوان نماینده عالی اتحادیه اروپا) را متذکر می‌شود که در آن رهیافت دوگانه (یعنی چماق و هویج یا مذاکره - تحریم) اشاره شده است. رابعاً در ادامه همین بیانیه، شورا التزام خود به راه‌حل مذاکره را که پیش از این در قطعه‌نامه ۱۸۰۳ (اما بر مبنای بسته پیشنهادی ۵+۱) بیان شده

بود، مورد تأیید مجدد قرار می‌دهد اما دیگر بسته پیشنهادی ۵+۱ را به‌عنوان محور مذاکرات آینده معرفی نمی‌کند. نهایتاً اینکه هیچ اشاره‌ای به افزایش تحریمها نمی‌نماید.

۳. تجدید پایش امنیتی عملکرد هسته‌ای ایران

پیداست قطعنامه ۱۸۳۵ با آنچه را که می‌توان در هر قطعنامه شورای امنیت حتی قطعنامه‌های فصل ششم یافت، تفاوت اساسی دارد. طراحان این قطعنامه بدین ترتیب، اراده شورای امنیت را همچنان ناظر بر پایش عملکرد هسته‌ای ایران جلوه‌گر ساختند و توجه افکار عمومی را نیز بعد از گذشت چندماه از قطعنامه قبلی، به خود جلب کردند. از طرف دیگر، شورا بدین طریق رویکرد خود را علیه نظریه بازگشت پرونده هسته‌ای به شورای حکام، نمایان ساخت؛ بر این اساس، هنوز هم مراتب در دستور کار جدی شورا قرار دارد و مسأله از نظر شورا، به‌گونه‌ای نیست که بی‌نیاز از رسیدگی‌های امنیتی در سازمان ملل متحد شده باشد. البته باید در نظر داشت که شورا از اعمال قبلی فصل هفتم منشور عدول نموده و واکنشی خفیفتر را برگزیده است. فارغ از موجبات سیاسی این اقدام، گزارشهای فوریه و مارس ۲۰۰۸ مدیرکل آژانس نیز با اعلام حل بسیاری از مسائل باقیمانده هسته‌ای، در تعدیل رویکرد شورا بی‌تأثیر نبوده است.

نتیجه‌گیری

پوزیتیویسم حقوقی که بر اصالت صورت استوار است، تصمیمات سازمانهای بین‌المللی را به مثابه منبعی برای تفکیک رفتارهای قانونی از موارد غیرقانونی، لازم‌الرعايه می‌داند هرچند نتیجه آن عادلانه و اخلاقی نباشد.^{۳۷} اما دفاع از حقوق تحقیقی مادامی میسر است که ماده (substance) آن، هنجارهای فرازین و ارزشهای مشترک در جامعه بین‌المللی را مخدوش نسازد. به همین دلیل است که ماده ۲۵ منشور، تصمیمات شورا را تنها هنگامی که مطابق با اصول و اهداف منشور (برآیند ارزشهای مورد تأکید سازمان ملل متحد) باشند،^{۳۸} لازم‌الرعايه و امری می‌شمارد.^{۳۹} البته ساختار و بافت حقوق بین‌الملل به دلیل

37. See Shirley, op.cit., p. 315.

۳۸. حل این مشکل به همین سادگی میسر نیست. همین نگرش حقوق تحقیقی، مرجع تشخیص دقیق ←

عدم تکامل جامعه بین‌المللی، نه تنها همگونی کامل ندارد بلکه تنوع شکلها و منابع^{۴۰} و همچنین گستره قواعد آن،^{۴۱} باب تفسیر را بسیار بیشتر از سایر حوزه‌های حقوقی پذیرا شده است.

در نگاهی انتقادی به حقوق بین‌الملل، چنین می‌نماید که این حقوق چه در نسخه سنتی و چه معاصر آن، «جزئی‌ای از یک کلیه‌ای بیش نیست. یعنی قواعدش مجموعه قضایایی است که شمول موضوعشان جزئی است و شمول محمولشان کلی. به این معنا که مقررات کلی آن حافظ منافع بعضی دولتها است».^{۴۲} در چنین جریانی که فرایند حقوق به تأسی از رابطه قدرت نضج می‌گیرد و هدایت می‌شود، شورای امنیت کارکردی سیاسی و ناعادلانه می‌باید که در پرتو آن، حتی صلح و امنیت پایدار در جامعه جهانی نیز در برابر ضرورتهای تضمین منافع فردی یا گروهی معدودی دولتها، رنگ می‌بازد. البته که اصرار شورا بر تعقیب چنین راهبردی، بیش از پیش زمینه‌های ذهنی و عینی تحول ساختاری در سازمان ملل متحد را به پیش خواهد برد؛ شورا با اصرار بر ادامه سیاسی‌کاری‌های آشکار از این دست، به صورت اجتناب‌ناپذیر، استدلال مخالفان ساختار نابرابر جامعه بین‌المللی کنونی را قوام می‌بخشد.

از طرف دیگر، مناسبات شورای امنیت با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در فراز و فرود پرونده هسته‌ای، صورتهای جدیدی به خود گرفته که در عملکرد بین‌المللی بی‌سابقه بوده‌اند. آژانس، مسأله هسته‌ای ایران را به دلیل احراز ناتوانی منابع و اقتدار خود در

←

تصمیمات مغایر با اصول و اهداف منشور و در نتیجه «غیر لازم‌الرعایه» را پیش‌بینی نکرده بلکه به عکس، اختیاری گسترده به شورا داده که عملاً حتی خود را قاضی اعمال خود قلمداد می‌نماید.

۳۹. بر مبنای مشکلات و ناکامی‌های منشور در تعیین مرجع ارزیابی مشروعیت قطعنامه‌های شورای امنیت (بجز دیوان بین‌المللی دادگستری آن‌هم با دشواری‌های ناظر بر اصول صلاحیتی آن) و فقدان سابقه‌ای از این دست بر بی‌اعتباری یک تصمیم شورا است که اصل مشروعیت تصمیمات شورا از رویه بین‌المللی استخراج می‌گردد. در این خصوص نک: سیدقاسم زمانی و سیدحسین سادات‌میدانی، «عملکرد شورای امنیت در پرونده هسته ایران: از ارجاع تا تحریم»، *مجله پژوهشهای حقوقی*، ش ۱۰، ۲-۱۳۸۵، ص ۵۳.

40. Onuma Yasuaki. "International Law in and with International Politics: The Functions on International Law in International Society", *EJIL*, vol. 14, no. 1, 2003, p. 107.

41. Nichol Krisch, "International Law, in Times of Hegemony: Unequal Power and the Shaping on International Legal Order", *EJIL*, vol. 16, no. 3, 2005, p. 377.

۴۲. هدایت‌الله فلسفی، «حق، صلح و منزلت انسانی: تأملاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و

بشریت»، *مجله حقوقی*، شماره ۲۷-۲۶، ۸۱-۱۳۸۰، ص ۶۵.

تحمیل خواسته‌های خویش، به شورای امنیت ارجاع داد اما اندکی بعد، بررسی‌های خود را بنا به دستور شورای امنیت از سر گرفت و اکنون که سه سال از این رسیدگی‌های نیابتی (اما باز هم مستند به حقوق انرژی هسته‌ای و البته در کنار حقوق منشور) می‌گذرد، توانسته همه موارد ناتوانی‌های قبلی خود را (جز مسأله مطالعات ادعائی که آن‌هم جدید و فراتر از محورهای قطعنامه مارس ۲۰۰۵ ارسال موضوع به شورای امنیت است) برطرف کند و صحت اظهارات ایران را تأیید نماید. اما باز هم مسأله در دستور کار شورای امنیت باقی مانده و هرچند دبیرخانه قرائنی برای ترجیح بازگشت مسأله به آژانس از خود نشان داده، اما شورای امنیت همچنان بر باقی ماندن آن در دستور کار اصرار دارد. به واقع، ابعاد اصلی فنی مسأله هسته‌ای ایران از نوعی که ماده و هسته قطعنامه ارجاع محسوب می‌شده، حل شده‌اند ولی ابعادی سیاسی بدان افزوده شده که شورا مایل به اعاده آن نیست. البته تقدم صلاحیتهای شورای امنیت بر تعهدات عدم گسترش، برآیند نص ماده ۱۰۳ منشور است اما مسأله این است که آیا چنین تقدمی بدون پشتوانه توجیهی فنی، می‌تواند رسیدگی‌های سیاسی محض شورا را به مبنائی برای گسست در حقوق منشور مبدل سازد؟ نظر به اینکه «نهی قواعد مستقر بین‌المللی»^{۴۳} کارکرد پاره‌ای از قطعنامه‌ها است، آیا مسیری که شورا با رفتار غیرهمسان با وضعیتهای مشابه و بدتر از همه، تساهل نسبت به وضعیتهای شدید تهدید صلح و سختگیری در قبال وضعیتهایی نسبتاً عادی در پیش گرفته، حقوق آینده ناظر بر روابط بین‌المللی را به گرداب ابهام و چالش نخواهد کشاند؟ شایان ذکر است که اغلب اعضای غیردائم شورای امنیت در نشستهای صدور قطعنامه‌های علیه ایران، تنها آژانس را مرجع صالح رسیدگی تخصصی به مسائل مرتبط با انرژی هسته‌ای برشمرده‌اند و این امر، تأییدی بر نگرش ایرانی به چنین مقوله‌ای است.^{۴۴}

با چنین تخلفاتی که از درون دبیرخانه آژانس و برخلاف استقلال مأموران بین‌المللی هدایت می‌شود،^{۴۵} اعتبار دبیرخانه (که هیأت بازرسی و بخش پادمان نیز زیرمجموعه آن

۴۳. هدایت‌الله فلسفی، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۹، ص ۲۸، زیرنویس شماره ۲۸.

۴۴. به عنوان نمونه، نک: اظهارات نماینده آفریقای جنوبی در نشست قطعنامه ۱۸۰۳ و توضیحات نماینده اندونزی در نشست ۵۹۸۴ صدور قطعنامه ۱۸۳۵. S/PV.5984, 27 Sep. 2008, p. 2.

۴۵. بند «ج» ماده ۷ اساسنامه آژانس، کسب دستور و تأییدپذیری هر یک از کارکنان دبیرخانه از مقامات دولتی و خارج از سلسله مراتب دبیرخانه را منع نموده است. نک: نادر ساعد، *مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات انرژی هسته‌ای*، تهران، خرسندی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶.

است) و کل آژانس در معرض خطر جدی قرار دارد. به واقع، این زنگ خطر برای همه کشورهای در حال توسعه و غیرهسته‌ای به صدا در آید که ساختارها و ارکان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان نهاد کارشناسی و فنی ارزیابی و نظارت بر نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و توسعه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، از ظرفیتهای گسترده برای سوء استفاده قدرتهای بزرگ برخوردار است و در قرن بیست و یکم که بشریت دوران اوج شکوفایی علم و دانش را شاهد است، این سازمانهای بین‌المللی نیز در برابر سیاست هژمون صنعتی و آپارتاید هسته‌ای، بیش از هر زمان دیگری آسیب‌پذیرند.

در این میان، حقوق هسته‌ای ایران که همگام با پذیرش مبانی روابط بین‌المللی معاصر بویژه برابری حاکمیت دولتها و همچنین الزامات نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای تعقیب می‌شود، نمادی از مسیر پرفراز و نشیبی است که دولتهای مستقل برای صیانت از استقلال و هویت خود در پهنه معادلات قدرتهای جهانی در پیش رو دارند؛ روندی که هژمونی طلبی قدرتها را حتی به قیمت تضعیف اصول و هنجارهای حاکم بر روابط بین‌المللی آشکار می‌سازد.

با این عملکرد منفعل و ظاهراً متخلفانه آژانس و خودداری از ارائه اسناد و مدارکی که (تنها با اصرار یک دولت عضو آژانس) مبنای اتهامات خود در مورد مطالعات ادعائی قرار گرفته، چگونه می‌توان پاسخ متقن را از ایران انتظار داشت. در هیچ سیستم حقوقی مقرر و پذیرفته نیست که متهم بدون اطلاع از نوع و محورهای دقیق اتهام و دسترسی به مدارک اتهامی، مجبور به دادن پاسخ، آن‌هم قانع‌کننده برای اثبات برائت خود از اتهامات شود؛ آن‌هم در شرایطی که آژانس پیش از این هم به صورت شفاف تصریح نموده که این اسناد و مدارک اتهامی هرگز معتبر نبوده، «آژانس هیچگونه نشانه‌ای از کاربرد^{۴۶} واقعی^{۴۷} مواد هسته‌ای در ایران در ارتباط با مطالعات ادعائی نیافته» و «هیچگونه اطلاعات معتبری درباره استفاده از مواد هسته‌ای در مطالعات ادعائی وجود ندارد».^{۴۸}

آژانس در وضعیتی منفعل در برابر رویکرد ایالات متحد قرار دارد و این کشور آژانس را به انفعال کشانده به‌گونه‌ای که تحقق اهداف و اجرای اصول اساسنامه این سازمان، جنبه

46. It should be noted that the Agency has not detected the actual use of nuclear material in connection with the alleged studies, nor does it have credible information in this regard; GOV/2008/4, 22 Feb. 2008, para. 54.

47. It should be emphasized that the Agency has not detected the actual use of nuclear material in connection with the alleged studies, GOV/2008/15, 26 May 2008, para. 27.

48. nor does it have credible information in this regard; GOV/2008/4, 22 Feb. 2008, para. 54.

ثانوی یافته است: این کشور که طراح اتهامات جدید علیه ایران (مطالبات ادعائی) است، در اثبات اتهام به اسناد و مدارکی استناد می‌جوید که آنها را «به کلی سرّی» و به دست آمده از ایران عنوان می‌کند در حالی که از تحویل نسخه‌ای از آنها به ایران به منظور پاسخ‌گویی که حق طبیعی هر شخص حقیقی و حقوقی در معرض اتهام است، سر باز می‌زند و علت پرهیز از ارائه دلیل را حساسیت بالای مفاد آنها در تولید سلاح هسته‌ای و احتمال سوء استفاده ایران از آن، اعلام می‌کند. به راستی این تناقض را فارغ از اینکه ایران متهم شده است، چگونه می‌توان حل نمود؟ اگر ایران به راستی صادرکننده واقعی چنین اسنادی بوده باشد، از استفاده‌های حساس مذکور، چه باک! چراکه به تعبیر آنها، اصل چنین سندی می‌بایست در دست ایران بوده باشد. اما اگر از چنین مسأله‌ای اطمینان ندارند و قرار گرفتن آن در دست ایران را خطری برای نظام عدم گسترش می‌بینند، چرا بی دلیل اتهام را چاشنی روند رو به اتمام مسأله‌ای هسته‌ای کرده و چرا آژانس خود را در چنین فضایی از بن بست قرار داده است؟ بن بست است که به اثبات عدم کارایی آژانس در تحقق اهداف مقرر در اساسنامه و نظارت بایسته به نحو مندرج در ماده ۳ معاهده عدم گسترش می‌انجامد.

در صورتی که جامعه بین‌المللی دولتها (بویژه کنفرانس دولتهای عضو آژانس و اقدامهای منبعث از همگرایی‌های رو به فزونی کشورهای در حال توسعه) در برابر این اقدامات و بن بست مبتنی بر منفعل بودن دبیرخانه آژانس چاره‌ای نیندیشد، دور از انتظار نیست که این عملکرد بی‌قاعده آژانس، رویه‌ای برای اعمال فشار و استفاده ابزاری علیه دولتهای غیرهسته‌ای و در حال توسعه بگشاید و حتی اعتماد به کارکرد دیگر سازمانهای بین‌المللی کارشناسی را نیز مخدوش سازد. در این صورت، بیم آن می‌رود که جو بی‌اعتمادی و جدال سرد در میان دولتهای هسته‌ای و غیرهسته‌ای پایه‌ریزی گردد و بر عناصر و مؤلفه‌های موجد تزلزل در نظام عدم گسترش بیش از پیش افزوده شود. در این راستا، وضعیتهای رفتاری ایالات متحد منتهی به چنین بحرانی، نه تنها تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌الملل، بلکه مبنای ایجاد وضعیتهایی از این دست خواهد بود که در قبال آنها، منافع جامعه بین‌المللی در معرض آسیب قرار خواهند گرفت.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 1

2008-1

Articles

- Improvement of Buy Back Contracts in Iran's Oil Industry
- UNSC Resolution 1835: Its Bases and Perspectives
- Exclusion Clauses in Personal Insurances
- Human Rights and Criminalization Holocaust Denial: Conflict or Compatibility?
- Nuclear Incident and Principles of Civil Liability
- Prohibition of the Use of Force and the South Ossetia Crisis

Special Issue: Legal Protection of Persons with Disabilities

- Change of Discourse: People with Disabilities and the Contemporary Human Rights
- Reflections on Iranian Comprehensive Code for Protection of the Disabled Persons
- The Right of Children with Disabilities to Education in Iran
- Mechanisms to Protect "The Right to Work" of Persons with Disabilities
- Protection of Persons with Disabilities in Armed Conflicts
- Reflections on Protection of the Rights of People with Disabilities in European Community
- European Court of Human Rights and Appropriate Prison for Persons with Disabilities

Critique: The Draft of Iranian Penal Code

- A Pathology of the Draft of Islamic Penal Code in the light of Speech Rationality
- The Place of Victim in the Draft of Islamic Penal Code (A Victimological Analysis on Articles 111-1 to 166-2)
- Criminal Responsibility of Legal Persons in the Draft of Islamic Penal Code
- Some Reflections on Permission in *Qesas*

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study